**اندیشه‌های اسلامی در پرتو کتاب و سنت**

توحید محور زندگی

**تألیف:**

**دکتر عمر سلیمان اشقر**

**ترجمه:**

**گروه فرهنگی انتشارات حرمین**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | توحید محور زندگی |
| **مؤلف:** | دکتر عمر سلیمان اشقر |
| **مترجم:** | گروه فرهنگی انتشارات حرمین |
| **موضوع:** | توحید و الهیات |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

فهرست مطالب

[پیشگفتار 3](#_Toc238577810)

[توحید محور زندگی 5](#_Toc238577811)

[جرقه‌ی امید 6](#_Toc238577812)

[شما وارث پیامبران هستید 9](#_Toc238577813)

[مسؤلیت شما چیست؟ 10](#_Toc238577814)

[شناخت خدا منشأ پرورش نفس 12](#_Toc238577815)

[ایمان به‌ خدا وسیله‌ی کشف اسرار و تعیین جهت 21](#_Toc238577816)

[«خداوند‌« محور همه‌ی فعالیت‌ها 24](#_Toc238577817)

[توحید محور قرآن است 29](#_Toc238577818)

[کسی که‌ خدا ندارد هیچ چیزی ندارد 30](#_Toc238577819)

[توحید نخستین مسئولیت دعوتگران است 33](#_Toc238577820)

[شرک هنوز هم ماندگار است 34](#_Toc238577821)

[شرکی که‌ امروز بسیار رایج است 34](#_Toc238577822)

[نشانه‌های یکتاپرستی 36](#_Toc238577823)

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

الحمد لله‌ رب العالـمین، والصلاة والسلام علی الـمبعوث رحمة للعالـمین، وعلی آله‌ وصحبه‌ الطیبین الطاهرین، وعلی من اهتدی بهدیهم، واتبع سبیلهم إلی یوم الدین.

اگر هدف و انگیزه‌ی بعثت آخرین پیام آسمانی را به‌ دقت مورد بحث و بررسی قرار دهیم، یقین می‌یابیم که‌ محور آن و محور تمام پیامهای آسمانی و همچنین محور حقیقی زندگی انسان توحید و یکتاپرستی می‌باشد؛ پس ارزش حقیقی انسان وقتی نمایان می‌گردد که‌ پروردگارش را به‌ عنوان محور زندگی خود قرار داده‌ باشد:

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٢﴾ [الأنعام: 162].

یعنی: «بگو نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خداست كه پروردگار جهانیان است».

از این رو حرکت انسان با حرکت جهان هستی هماهنگ می‌شود؛ زیرا جهان فرمانبردار دستورات الهی، در اختیار قدرت او و مشغول تمجید و ستایش وی است؛ پس هرگاه بنده‌ در برابر پروردگارش قد علم کرده و به‌ انحراف و کژی روی آورد، به‌ نغمه‌ و آهنگی ناهمخوان با این جهان پهناور و شگفت‌انگیزی که‌ دنباله‌رو فرامین خدای یکتاست، تبدیل می‌گردد.

این نوشتار ابتدا در تاریخ 18 تا 20 دسامبر 1980 به‌ مناسبت سالگرد بیستمین انجمن دانشجویان مسلمان در آمریکا و ایرلند به‌ عنوان سخنرانی ارائه‌ شد؛ و به‌ توضیح و بیان قضیه‌ی «توحید خداوند بلند مرتبه» پرداخته‌ که‌ مدار زندگی فرد مسلمان و جامعه‌ی اسلامی است.

لازم است که‌ دعوتگران، نویسندگان و اساتید با استفاده‌ از وسائل و روشهای گوناگون به‌ توضیح و تبیین این مسأله‌ بپردازند؛ زیرا فهم و یادگیری این قضیه‌ بر هر فردی از جامعه‌ی بشری ضروری است، در غیر این ‌صورت موجب خسارت دنیا و آخرت می‌شود.

از درگاه ایزد منان خواهانیم که‌ بر ما منت گذاشته و دینی مخلصانه‌ و عمل به‌ فرامینش را به‌ ما عطا نماید؛ زیرا او بهترین فرمانروا و یاری ‌رسان است.

توحید محور زندگی

إِنَّ الحَمْدَلِلّهِ نَحْمَدُه، ونَسْتَعِینُه، ونَسْتَغْفِرهُ، ونَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شُرُورٍ أَنْفُسِنا، مَنْ یَهْدِهِ اللهُ فَلامُضِلَّ لَه، وَمَن یُضْلِلْ فَلاهادِیَ لَه. وأَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إلاَّ اللهُ وأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّداً عَبْدُه و رَسُولُه‌:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ [آل‌عمران: 102].

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾ [النساء: 1].

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾ [الأحزاب: 70-71].

أما بعد: فإن أصدق الحدیث کلام الله‌، وخیر الهدی هدی محمد ص، وشر الأمور محدثاتها، وکل محدثة بدعة، وکل بدعة ضلالة، وکل ضلالة في النار.

جرقه‌ی امید

برادران و خواهران گرامی! چنانکه‌ خبر دارید ظلم و ستم، جهان را فرا گرفته‌ و در راه نابودی آن قدم برداشته‌ است، بدانید که‌ تنها جرقه ی از بین بردن آن، شما جوانان مشرق و مغرب زمین هستید که‌ به‌ خداوند ایمان آورده و در راه‌ آن تلاش ورزیده‌اید. امروزه جامعه از لحاظ علوم تجربی به‌ قله‌ها‌ی بلندی دست یافته‌ است؛ با وجود‌ اینکه‌ در فضا سفر کرده‌ و به‌ اعماق زمین فرو رفته‌ و اسرار فراوانی را کشف نموده‌، اما از نظر علوم انسانی و اسرار زندگی و راه رسیدن به‌ خدا در نادانی عمیقی بسر می‌برد؛ از این‌رو ممکن است آن علوم تجربی‌ای که‌ کسب نموده‌ به‌ بلای خانمانسوزی تبدیل گشته و بشریت را به‌ نابودی بکشاند.

اکنون انسانها خود را نشناخته‌ و راه سعادت و خوشبختی را یاد نگرفته‌، و از وحی الهی فاصله گرفته‌ و در پی سعادت و آرامش هستند، اما راه رسیدن بدان را نمی‌دانند، ایشان مانند کسانی هستند که‌ در بیابانی گسترده‌ کورکورانه‌ و بدون راهنما به‌ راه افتاده‌اند، پس چگونه‌ به‌ راهی دست می‌یابند که‌ آنها را به‌ هدفشان برساند؟

خداوند برای راهنمایی انسانها و شناسایی راههای رسیدن به‌ ساحل امنیت و راه مستقیم پیامبرانی را فرستاد، اما متأسفانه‌ امروزه انسانها آموزه‌های پیامبران را فرو نهاده‌ و از دنبال کردن راه و منش آفریننده ی خود تکبر ورزیده‌‌اند، سرانجام به چنان بدبختی و بلایی دچار شده‌ که‌ در درون خود آن‌را احساس نموده و بر خطوط گونه‌هایشان تأثیر گذاشته‌ است. به‌ خدا سوگند آثار این تیره‌روزی را در چهره ی قوم و ملت این سرزمینی[[1]](#footnote-1) که‌ از آئین و برنامه‌ی الهی روی‌گردان شده‌ به‌ وضوح درک می‌کنم. و این، وضعیت هر ملتی است که‌ به منهج خداوند پشت کرده‌ و به‌ قوانین بشری روی آورده‌ است، اما جز کسانی که‌ از جاهلیت آنها بیرون آمده‌ هیچ کسی دیگر از این تیره‌روزی و بدبختی آگاهی ندارد.

لازم به‌ یادآوری است که‌ محمد اسد[[2]](#footnote-2) نیز بعد از اسلام آوردنش همانند بنده‌ به‌ این بدبختی جامعه‌ی بشری پی برده و از آن پرده‌ برداشت، آنگاه که‌ کتابی بنام «الطریق إلی مکة‌» را به‌ نگارش درآورد و در چاپ بعدی عنوان کتاب را به‌ «الطریق إلی الإسلام» تغییر داد.

بیماری‌های درونی و روانی، از آثار آن بدبختی است، روانشناسان و جامعه‌ شناسی از یافتن راه ‌حلی جهت نجات مردم از این‌‌گونه‌ بیماریها نومید گشته‌اند، بلکه‌ بسیاری از آنان‌ خود نیز از این بیماری می‌نالند، پس چگونه‌ می‌توانند مردم را از دردی نجات دهند که‌ خود بدان دچار شده‌اند!.

بعد از اینکه‌ با یکی از جامعه‌شناسان مدرسه‌ای آشنا شدم از مشکلات و ناراحتیهایی برایم تعریف کرد که‌ درونش را فرا گرفته‌ و بر قلبش چیره‌ شده‌ بود، ایشان یادآور شد که‌ روز روشن را تیره‌ و ناهموار می‌بینم و شب را به‌ بیداری سپری می‌کنم، و برای رهایی از این بیماری جز استفاده‌ از افسون و طلسمهای مادربزرگم که‌ آن را زیر بالشم می‌گذارم و بعد می‌‌خوابم. هیچ راه‌ حل دیگری را نمی‌یابم.

شما را به‌ خدا سوگند می‌دهم به‌ من بگویید کسی که‌ خود چنین حالتی دارد چگونه‌ می‌تواند مشکلات دیگران را بگشاید؟ و اگر با خدا ارتباطی نیکو برقرار می‌کرد و ساعتی را با ذکر خدا سپری می‌نمود قلبی سرشار از اطمینان و روانی آرام را به‌ دست می‌آورد.

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ٢٨﴾ [الرعد: 28].

«آن كسانی كه ایمان می‌آورند و دلهایشان با یاد خدا سكون و آرامش پیدا می‌كند. هان! دلها با یاد خدا آرام می‌گیرند».

لازم به‌ یادآوری است که‌ تنها کشورهای عقب افتاده‌ و فقیر دچار غم و ناراحتی و مشکلات درونی نیستند، بلکه‌ این کشورهای در حال پیشرفت و متمدن هستند که‌ از مشکلات روانی می‌نالند. مردم این دیار از زندگی لذت نمی‌برند و زندگی را سبک و بی‌ارزش می‌انگارند و خود را فرومایه‌ تلقی می‌کنند، از این رو در این‌گونه‌ جوامع دختر و پسرهای منحرفی به‌ وجود می‌آیند، چنانکه‌ نمونه ی آن را در افرادی بزدل و فرومایه‌ مشاهده‌ می‌کنیم، کسانی که‌ به‌ خاطر فرار از واقعیت و مشکلات گوناگونی که‌ پیرامونشان را فرا گرفته‌اند‌ به‌ مواد مخدری روی آورده‌اند که‌ عقلشان را می‌گیرد و توان و نیرویشان را نابود می‌نماید؛ واقعیت این است که‌ برخی اوقات مشکلات و سختیها، این افراد را به‌ درجه‌ای می‌رساند که‌ می‌خواهند بر بالای قله‌ی بلندی رفته و خودکشی نمایند. دیروز خبری خواندم که مرا آشفته‌ و پریشان کرد، آن راهپیمایی پرهیاهویی بود که‌ هزاران نفر در آن شرکت داشتند. تظاهرات به‌ خاطر اشغال افغانستان نبود که‌ مردم آن دیار با سختی‌ها و بلاهای گوناگونی مواجه‌ هستند، و به‌ خاطر مرگ و میر صدها هزار شهروند هندی نیست که‌ از گرسنگی جان می‌سپارند، و به‌ خاطر پایمالی حقوق انسان در بسیاری از نقاط جهان هم نبود، بلکه‌ به‌ خاطر مرگ خواننده‌ای بود‌ که‌ از زندگی بیزار شده‌ و خودکشی کرده بود‌، نه تنها پریشانی شان را با تظاهرات نمایان کردند، بلکه‌ دو نفر از آنها نیز به‌ خاطر وی خود را به‌ قتل رساندند! این چه‌ ارزش و ارمغانی است؟ این زندگی بی‌ارزشی است که‌ افراد فرومایه‌ را بزرگ می‌پندارد، و زندگی را با غم و غصه‌ پیرامون این بی‌مایه‌ها می‌گذراند، میان این زندگی و آن مسلمانی که‌ تنها به‌ فرمان خدا حرکت می‌کند و از نافرمانی وی پرهیز می‌نماید، مرگ و زندگیش را وقف پروردگار خویش گردانیده‌ استو تفاوت فراوانی وجود دارد.

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٢ لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٦٣﴾ [الأنعام: 162-163].

«بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خداست كه پروردگار جهانیان است؛ خدا را هیچ شریكی نیست، و به همین دستور داده شده‌ام، و من اوّلین مسلمان (در میان امت خود، و مخلص‌ترین فرد در میان همه انسانها برای خدا هستم».

این افرادی که‌ خود کشی می‌کنند از کشورهای عقب افتاده و جهان سوم نیستند، بلکه‌ فرزندان کشور متمدنی همچون آمریکا می‌باشند؛ این ماجرا مرگ خواننده ی معروف مصری «عبدالحلیم حافظ» را برایم یاد اور شد حافظ) که‌ پس از مرگ وی چهار نفر خودکشی کردند.

 دوستان! به‌ زندگی مردم بنگرید! هرگز امنیت و آرامش را برای آنان نمی‌یابید کسی که‌ برنامه‌های تلویزیونی را مشاهده کرده و روزنامه‌ مطالعه می‌‌نماید و به‌ اخبار گوش فرا می‌‌دهد، می‌تواند میزان جرایم را درک کند که‌ باعث آشفتگی مردم شده‌ و ترس و هراس را در درون آنها ایجاد نموده‌ است، هر روز خون کسی ریخته‌ می‌شود تا از زندگی سخت و پرهیاهوی‌ مردم پرده‌ بردارد.

شما وارث پیامبران هستید

برادران! شما امید امروز بشریت هستید همچنان‌که‌ گذشتگان مایه ی امید دوران خود بوده‌اند، شما پیروان کاروانی نیستید که‌ از هزار و چهارصد سال قبل شروع شده است، بلکه‌ دنباله روی قافله‌ای هستید که‌ پیشینه ی آن به‌ دورانهای بسیار بعیدی بازمی‌گردد، شما پیروان پیامبران الهی هستید، آنانی که‌ در طول تاریخ حامل مشعل هدایت بوده‌اند، شما همان پرچمی را برافراشته اید که‌ آنها برداشته‌ بودند، شما نیز با همان باور و عقیده‌ای که‌ آنها داشتند مسیری را می‌پیمایید که‌ آنها می‌پیمودند، هدفمان یکی است که‌ محور آن خداوندگار است، پس به‌‌سوی او حرکت می‌کنیم و از هدایت وی راهنمایی می‌جوییم.

مسؤلیت شما چیست؟

ما که‌ به‌ خدا ایمان داریم و از قانون اسلام پیروی می‌کنیم و محمد را به‌ عنوان پیامبر پذیرفتیم، در واقع نقش پیامبران و پیروان آنها در طول تاریخ بشریت را ایفا می‌کنیم؛ زیرا ما می‌خواهیم انسانها را از پراکندگی و گمراهی به‌ سوی پروردگاری یگانه‌ بازگردانیم، تا او را به‌ عنوان آفریدگار و معبود خود برگزینند و از دین و آیین وی پیروی نمایند و پیامبرش را به‌ عنوان هدایتگری مژده‌‌ دهنده‌ و ترساننده بپذیرند؛ مسئولیت ما امروزه ی ما همان مسئولیتی است که‌ سلف صالح بدان پرداختند، و همان است که‌ آسمانها و زمین از حمل آن سرباز زدند، سرانجام انسان آن را پذیرفت، اما متأسفانه‌ بسیاری از آنها کوتاهی ورزیدند و از حمل آن سر برتافتند:

﴿إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا جَهُولٗا ٧٢﴾ [الأحزاب: 72].

یعنی: «ما امانت (اختیار و اراده) را بر آسمانها و زمین و كوهها (و همه­ی جهان خلقت) عرضه داشتیم (و انجام وظیفه اختیاری همراه با مسؤلیت، و انجام وظیفه­ی اجباری بدون مسؤلیت را بدیشان پیشنهاد كردیم. جملگی آنها اجبار را بر اختیار برتری دادند) و از پذیرش امانت خودداری كردند و از آن ترسیدند، و حال این كه انسان (این اعجوبه ی جهان) زیر بار آن رفت (و دارای موقعیت بسیار ممتازی شد. امّا برخی از) آنان (پی به ارزش وجودی خود نمی‌برند و قدر این مقام رفیع را نمی‌دانند و) واقعاً ستمگر و نادانند».

امانت گرانبهایی که‌ افرادی منتخب آن را به دوش گرفتند، خداوند همه‌ی پیامبرانش را جهت تبلیغ این پیام و برپا کردن احکام آن بسوی انسانها فرستاد.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥﴾ [الأنبياء: 25].

«ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر این كه به او وحی كرده‌ایم كه: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش كنید».

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: 36].

«ما به میان هر ملّتی پیغمبری را فرستاده‌ایم (و محتوای دعوت همه پیغمبران این بوده است) كه خدا را بپرستید و از طاغوت (شیطان، بتان، ستمگران، و غیره) دوری كنید».

لازم به‌ یادآوری است که‌ خداوند در گفتگویی با موسی این هدف را در چند کلمه‌ خلاصه‌ نمود، آنگاه که‌ موسی از مدین بازگشت و در صحرای سینا راه را گم کرد و به‌ طرف نوری رهسپار شد که‌ از دور آن را مشاهده‌ نمود، هنگامی که‌ به‌ آنجا رسید خداوند او را این گونه‌ فرا خواند:

﴿إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدۡنِي﴾ [ط: 14].

«من «الله» هستم، و معبودی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت كن».

آری این فرمان خدا به‌ موسی بود، و به‌ همین خاطر او و سایر مخلوقات را آفرید:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦ مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطۡعِمُونِ ٥٧ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ ٥٨﴾ [الذاريات: 56-58].

«من جنها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام. من از آنان نه درخواست هیچ گونه رزق و روزی می‌كنم، و نه می‌خواهم كه مرا خوراک دهند. تنها روزی‌رسان و صاحب قدرت و نیرومند خدا است و بس».

شناخت خدا، آگاهی از وی و روی آوردن به‌ او نقطه‌ی شروع حرکت صحیح انسان است، و انحراف از خدا و عدم آگاهی به‌ وی نقطه‌ی گمراهی و خسارات در زندگی انسان می‌باشد؛ ایمان به‌ خدا زیربنایی مورد نیاز است که‌ ساختمانی محکم و استوار بر روی آن بنیان می‌شود، و اگر زیربنایی غیر از ایمان به‌ خدا را برای آن در نظر گیرند، ساختمانی معیوب و ضعیف ساخته‌ میشود که‌ هر لحظه ممکن است سازنده‌ را به‌ قتل رسانده و یا ساکنان آن را نابود کند.

شناخت خدا منشأ پرورش نفس

شناخت خدا، نفس انسانی را از زنگار گناه و انحراف از آیینهای انسان ساز آسمانی می‌پیراید، بنابر این علـم، اصل و اساس هر عمل و تلاشی است، و باید دانست که‌ فعالیتهای روزانه‌ ارتباط عمیقی با اندیشه‌ها و اعتقادات انسان دارد و از قدیم گفته‌اند: انسان اسیر افکار خود است.

به همین خاطر قرآن به‌ ما دستور می‌دهد که پروردگارمان را بشناسیم و از اسماء و صفات او اطلاع پیدا نماییم، خداوند خطاب به‌ پیامبرش می‌فرماید:

﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ﴾ [محمد: 19].

«بدان كه قطعاً هیچ معبودی جز الله وجود ندارد. برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه».

هر انسانی باید بداند که‌ هیچ معبودی جز «الله»‌ وجود ندارد، و «الله»‌ ذاتی است دارای صفات سمیع، علیم، غفور، رحیم، عزیز، حکیم، غنی، حمید و سایر صفات والا، خداوند می‌فرماید:

 ﴿وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢٤٤﴾ [البقرة: 244].

«و در راه خدا بجنگید و بدانید كه خداوند شنوا و دانا است».

و می‌فرماید:

 ﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ وَأَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٩٨﴾ [المائدة: 98].

«بدانید كه خداوند دارای مجازات شدید است ، و در عین حال بس آمرزنده و مهربان است».

و می‌فرماید:

﴿وَٱعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ﴾ [البقرة: 260].

«و بدان كه خداوند چیره و باحكمت است».

و می‌فرماید:

﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ [البقرة: 267].

«و بدانید كه خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است».

خداوند متعال در بزرگترین سوره‌ و آیات قرآن پیرامون‌ صفات و افعال خود توضیح داده‌ است.

در حدیث آمده‌ که‌ پیامبر ص فرمود: سوره‌ی اخلاص برابر با یک سوم قرآن است، و آیة الکرسی بزرگترین آیه‌ی قرآن می‌باشد، و در همین آیه‌ و سوره درباره ی ‌ خداوند و صفاتش سخن به میان آمده است:

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾ [الاخلاص: 1-4].

«بگو: خدا، یگانه و یكتا است. خداوند، سَرورِ والای برآورنده­ی امیدها و برطرف كننده ی نیازمندیها است. نه زاده است و زاده نشده است. و كسی همتا و همگون او نمی‌باشد».

این سوره‌، بیانگر وحدانیت برای ذات الهی است، که‌ هیچ شبیه‌، نظیر و شریکی ندارد و از زن و فرزند پاک است.

آیة الکرسی این آیه است:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥﴾ [البقرة: 255].

«(خدایی جز الله وجود ندارد و او زنده و پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آنِ اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است (و در ملک كائنات، او را انبازی نیست). كیست آن كه در پیشگاه او میانجیگری كند مگر با اجازه او؟ می‌داند آنچه را كه در پیش روی مردمان است و آنچه را كه در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمانها و مكانها در پیشگاه علم او یكسان است. مردمان) چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را كه وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتویی از علم بی‌پایان و بی‌كران اوست). فرماندهی و فرمانروایی او آسمانها و زمین را دربر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است».

این آیه‌ درباره ی خداوندی سخن به میان آورده‌، که‌ او تنها معبود زنده‌ای است که‌ خالی از هر گونه‌ نقص و عیبی است، و تنها نگهدار و گرداننده‌ی مستقلی است که‌ به‌ سایر موجودات استقامت و پایداری بخشیده‌، و به‌ همین لحاظ ﴿لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞ﴾ چرت مرحله‌ی قبل از خواب است؛ و او تنها پادشاه است که‌ مالک آسمانها و زمین می‌باشد و بر همه‌ی مخلوقات‌ قدرت و تصرف دارد، و جز با اجازه‌ی وی هیچ کس نمی‌تواند در پیشگاهش به‌ میانجیگری بپردازد، و از گذشته‌ و حال و آینده‌ی بندگانش باخبر است و بشر نمی‌تواند بیشتر از آنچه‌ که‌ خدا اجازه‌ داده‌ به‌ علم و دانش دست یابد:

﴿وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ﴾

و به‌ این آیه‌ها توجه‌ کنید که‌ پروردگار را به‌ ما معرفی می‌کند، سپس آثار قدرتش را در درون خود ملاحظه‌ کن:

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ٢٢ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٢٣ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٤﴾ [الحشر: 22-24].

 «(خدا كسی است كه جز او پروردگار و معبودی نیست. آگاه از جهان نهان و آشكار است (و ناپیدا و پیدا در برابر دانش اش یكسان است). او دارای مرحمت عمومی (در این جهان، در حق همگان)، و دارای رحمت خصوصی (در آن جهان، نسبت به مؤمنان) است. خدا كسی است كه جز او پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا، منزه، بی‌عیب و نقص، امان‌ دهنده و امنیت بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند و چیره، بزرگوار و شكوهمند، و والامقام و فرازمند است. خداوند از چیزهایی كه با او شریک قرار می‌دهند پاک است. او خداوندی است كه سازنده ی هستی و آفریدگار آن از نیستی و صورتگر جهان است. دارای نامهای نیک و زیباست. هر آنچه كه در آسمانها و زمین هستند، تسبیح و تقدیس او را می‌گویند، و او چیره كار با حکمتی است».

قرآن برخی از صفات پروردگار را به‌ طور مفصل برای ما توضیح داده،‌ تا بر درون ما مسلط گردد و تمام اطراف آن را فرا گیرد؛ به‌ عنوان نمونه‌ وقتی که‌ درباره ی علم خداوند بحث می‌کند، با علم گسترده‌ و فراگیری روبرو می‌شویم که‌ تمام زندگی و موجودات را فرا ‌گرفته‌ و تاریکی‌ها و پرده‌ها را پاره‌ نموده‌ و به‌ اعماق درون دست یافته‌ است، و از نظر علم او بزرگ و کوچک مساوی و یکسان هستند:

﴿وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَۚ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۚ وَمَا تَسۡقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعۡلَمُهَا وَلَا حَبَّةٖ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡأَرۡضِ وَلَا رَطۡبٖ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٥٩ وَهُوَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا جَرَحۡتُم بِٱلنَّهَارِ ثُمَّ يَبۡعَثُكُمۡ فِيهِ لِيُقۡضَىٰٓ أَجَلٞ مُّسَمّٗىۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٦٠﴾ [الأنعام: 59-60].

«گنجینه‌های غیب و كلید آنها در دست خداست و كسی جز او از آنها آگاه نیست. و خداوند از آنچه در خشكی و دریا است باخبر است. و هیچ برگی (از گیاهی و درختی) فرو نمی‌افتد مگر این كه از آن باخبر است. و هیچ دانه‌ای در تاریكیهای (درون) زمین، و هیچ‌ چیز تر و یا خشكی نیست كه فرو افتد، مگر این كه (خدا از آن آگاه، و در علم خدا پیدا است و) در لوح محفوظ ضبط و ثبت است. خداوند است كه در شب شما را می‌میراند و در روز شما را برمی انگیزاند و او می‌داند كه در روز (كه زمان عمده جنب و جوش و تلاش و كوشش است) چه می‌كنید و چه فراچنگ می‌آورید (و این مرگ و زندگی خواب و بیداری نام، پیوسته ادامه دارد) تا مهلت معین (زندگی هركس با فرا رسیدن مرگ او) بسر آید . سپس (در روز رستاخیز همگان) به سوی خدا برمی‌گردید و آن گاه شما را بدانچه (از خوب و بد در دنیا) می‌كردید باخبر می‌گرداند (و پاداش و پادافره اعمال را به صاحبان آنها می‌رساند».

در جای دیگری می‌فرماید:

 ﴿يَعۡلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا يَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَاۚ وَهُوَ ٱلرَّحِيمُ ٱلۡغَفُورُ ٢ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَأۡتِينَا ٱلسَّاعَةُۖ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأۡتِيَنَّكُمۡ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِۖ لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ مِثۡقَالُ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَآ أَصۡغَرُ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرُ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٣﴾ [سبأ: 2-3].

«(می‌داند آنچه را كه به زمین وارد می‌شود، و آنچه را كه از آن خارج می‌شود، و آنچه را كه از آسمان پائین می‌آید، و آنچه را كه به سوی آن بالا می‌رود، و او مهربان و بخشاینده است. كافران می‌گویند: قیامت هرگز برای (حساب و كتاب و سزا و جزای) ما برپا نمی‌شود. بگو: چرا، به پروردگارم سوگند! آن كسی كه دانای راز (نهان در گستره جهان) است، قیامت به سراغ شما می‌آید (و خدا به اعمال شما رسیدگی می‌نماید). به اندازه سنگینی ذرّه‌ای، در تمام آسمانها و در زمین از او پنهان و نهان نمی‌گردد، و نه كمتر از اندازه ذرّه و نه بزرگتر از آن، چیزی نیست مگر این كه در كتاب آشكاری ثبت و ضبط و نگهداری می‌شود».

﴿ٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَحۡمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ ٱلۡأَرۡحَامُ وَمَا تَزۡدَادُۚ وَكُلُّ شَيۡءٍ عِندَهُۥ بِمِقۡدَارٍ ٨ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡكَبِيرُ ٱلۡمُتَعَالِ ٩ سَوَآءٞ مِّنكُم مَّنۡ أَسَرَّ ٱلۡقَوۡلَ وَمَن جَهَرَ بِهِۦ وَمَنۡ هُوَ مُسۡتَخۡفِۢ بِٱلَّيۡلِ وَسَارِبُۢ بِٱلنَّهَارِ ١٠﴾ [الرعد: 8-10].

«خدا می‌داند كه هر زنی (در شكم خود) چه چیز حمل می‌كند (و بار او پسر یا دختر است، و وضع جسمانی و روحانی، و كیفیت و كمیت استعدادها و نیروهای بالقوّه در او چگونه است)، و می‌داند كه رحمها از چه چیز می‌كاهند و بر چه چیز می‌افزایند (و فعل و انفعالات دوران عادی و قاعدگی و آبستنی آنها چگونه بوده و زمان حاملگی و زایمان چه وقت و چقدر و بر چه منوال است)، و هر چیز در نزد او به مقدار و میزان است (و از اندازه معین و حساب مشخّص برخوردار است). خدا آگاه از جهان پنهان (از دید و دانش مردمان) و آگاه از جهان دیدنی (و آشكار در برابر چشم و علم ایشان) است، و بزرگوار و والا است. كسی كه از شما سخن را پنهان می‌دارد، و كسی كه سخن را آشكار می‌سازد، و آن كه در روز (به دنبال كار خود) روان می‌گردد، (برای خدا بی‌تفاوت و) یكسان می‌باشند (و خداوند از اوضاع و احوال و رفتار و كردارتان، هرگونه كه بوده و هرجا و هر زمان كه باشد آگاه است)».

پروردگار همچنانکه‌ صفات خود را برای ما بازگو نموده‌ درباره ی افعالش نیز توضیح داده‌ است؛ افعال بگونه‌ای است که‌ با نفس و درون انسان درمی‌آمیزد و روح او را اسیر خود قرار می‌دهد، از این رو وقتی انسان به‌ آیات قرآن گوش فرا می‌دهد در جهان هستی پرواز نموده و از فرآورده‌های الهی بازدید می‌نماید، و چنان او را به‌ خود جذب می‌کند گویی برای اولین بار است که‌ به‌ هستی می‌نگرد، و ناگهان قلب انسان به‌ خداوند می‌پیوندد، نفس به‌ خشوع می‌افتد، چشم اشک می‌ریزد و زبان به‌ تسبیح مشغول می‌گردد:

﴿فَالِقُ ٱلۡإِصۡبَاحِ وَجَعَلَ ٱلَّيۡلَ سَكَنٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ حُسۡبَانٗاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ٩٦ وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلنُّجُومَ لِتَهۡتَدُواْ بِهَا فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٩٧ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ فَمُسۡتَقَرّٞ وَمُسۡتَوۡدَعٞۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَفۡقَهُونَ ٩٨ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ نَبَاتَ كُلِّ شَيۡءٖ فَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهُ خَضِرٗا نُّخۡرِجُ مِنۡهُ حَبّٗا مُّتَرَاكِبٗا وَمِنَ ٱلنَّخۡلِ مِن طَلۡعِهَا قِنۡوَانٞ دَانِيَةٞ وَجَنَّٰتٖ مِّنۡ أَعۡنَابٖ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُشۡتَبِهٗا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٍۗ ٱنظُرُوٓاْ إِلَىٰ ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَيَنۡعِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمۡ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٩٩﴾ [الأنعام: 96-99].

«اوست كه صبح (سیمین را از شب قیرین) پدیدار ساخته است (تا زندگان برای كسب معاش به تلاش ایستند) و شب را مایه آرامش (و آسایش جسم و جان،) و خورشید و ماه را وسیله حساب (مردمان در امور روزمرّه عبادی و تجاری خود) كرده است. این (نظم بدیع و نظام استوار) سنجش دقیق و تدبیر محكّم (دادار بلند مرتبه است كه) چیره (بر جهان و) آگاه (از همه چیز آن) است. و او آن كسی است كه ستارگان را برای شما آفریده است تا (در شبهای سفر) در تاریكیهای خشكی و دریا بدانها رهنمود شوید. ما آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی خود) را برای كسانی بیان داشته‌ایم كه (معانی آیات قرآنی و نشانه‌های جهانی را) می‌دانند. و او كسی است كه شما را از یک شخص آفریده است كه (آدم است و او هم از خاک زمین است و زمین هم در مدّت حیات) محلّ استقرار و (پس از مرگ) محلّ تسلیم (به خاک شما) است. ما آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی خود) را برای كسانی بیان داشته‌ایم كه (آیات قرآنی و نشانه‌های جهانی را چنان كه باید) می‌فهمند. و او كسی است كه از (ابرِ) آسمان، آب (باران) فرو می‌فرستد، و ما (كه خداییم، با قدرت سترگ خود) به وسیله آن آب، همه رُستنیها را می‌رویانیم و از رُستنیها سبزینه بیرون می‌آوریم، و از آن سبزینه، دانه‌های تنگاتنگ یكدیگر، و از شكوفه‌های درخت خرما خوشه‌های آویزان نزدیک بهم و در دسترس، و باغهای انگور و زیتون و انار پدید می‌سازیم كه (در شكل و مزه و بو و سود) همگون و یا غیرهمگونند. بنگرید به میوه ی نارس و رسیده یكایک آنها، آن گاه كه میوه دادند. بیگمان در این (گوناگونی درونی و بیرونی و تغییر آغاز و انجام میوه‌ها) نشانه‌ها و دلائل (خداشناسی) است برای كسانی كه (حق را می‌پذیرند و بدان) ایمان می‌آورند».

در جای دیگری می‌فرماید:

﴿وَٱلۡأَنۡعَٰمَ خَلَقَهَاۖ لَكُمۡ فِيهَا دِفۡءٞ وَمَنَٰفِعُ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٥ وَلَكُمۡ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسۡرَحُونَ ٦ وَتَحۡمِلُ أَثۡقَالَكُمۡ إِلَىٰ بَلَدٖ لَّمۡ تَكُونُواْ بَٰلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ ٱلۡأَنفُسِۚ إِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٧ وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨ وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٞۚ وَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ ٩ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗۖ لَّكُم مِّنۡهُ شَرَابٞ وَمِنۡهُ شَجَرٞ فِيهِ تُسِيمُونَ ١٠ يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ ٱلزَّرۡعَ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلنَّخِيلَ وَٱلۡأَعۡنَٰبَ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ١١ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتُۢ بِأَمۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ١٢ وَمَا ذَرَأَ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ ١٣ وَهُوَ ٱلَّذِي سَخَّرَ ٱلۡبَحۡرَ لِتَأۡكُلُواْ مِنۡهُ لَحۡمٗا طَرِيّٗا وَتَسۡتَخۡرِجُواْ مِنۡهُ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٤﴾ [النحل: 5-14].

«و چهارپایان (چون گاو و شتر و بز و گوسفند) را آفریده است كه در آنها برای شما، وسیله گرما در برابر سرما، از قبیل پوشیدنی و گستردنی ساخته از پشم و مویشان) و سودهایی (حاصل از نسل و شیر و سواری و غیره) موجود است و از (گوشت) آنها می‌خورید (و در حفظ حیات خود می‌كوشید). و برایتان در آنها زیبایی است بدان گاه كه آنها را (شامگاهان از چرا) باز می‌آورید و آن گاه كه آنها را (بامدادان به چرا) سر می‌دهید. آنها بارهای سنگین شما را به سرزمین و دیاری حمل می‌كنند كه جز با رنج دادن فراوان خود بدان نمی‌رسیدید. بی‌گمان پروردگارتان (كه اینها را برای آسایشتان آفریده است) دارای رأفت و رحمت زیادی (در حق شما) است. و (خدا) اسبها و استرها و الاغها را (آفریده است) تا بر آنها سوار شوید و زینتی باشند (كه به دلهایتان شادی بخشد، و خداوند) چیزهایی را (برای حمل و نقل و طی مسافات) می‌آفریند كه (شما هم اینک چیزی از آنها) نمی‌دانید. (هدایت مردمان به) راه راست بر خدا است، (راهی كه منتهی به خیر و حق می‌گردد)، و برخی از راهها منحرف و بیراهه است (و منتهی به نیکی و حقیقت نمی‌گردد). و اگر خدا می‌خواست همه شما را (به اجبار به راه راست) هدایت می‌كرد (و نعمت اختیار و آزادی اراده و انتخاب را به شما انسانها نمی‌داد، و لذا همچون حیوانات راهی را بیشتر نمی‌پیمودید و ترقّی و تكاملی پیدا نمی‌كردید). او كسی است كه از آسمان آبی فرو فرستاده است (كه مایه حیات است) و شما از آن می‌نوشید (و زلال و گوارایش می‌یابید) و به سبب آن گیاهان و درختان می‌رویند و شما حیوانات خود را در میان آنها می‌چرانید. خداوند به وسیله آن (آب) زراعت و (درختان) زیتون و خرما و انگور و همه ی میوه‌ها را برای شما می‌رویاند. بی‌گمان در این (كار آفرینش میوه‌های رنگارنگ و محصولات كشاورزی گوناگون) نشانه روشنی است (از خدا) برای كسانی كه (درباره نیروی آفریننده آنها) بیندیشند (و با چشم بینش و خرد به جهان گیاهان بنگرند). و خدا شب و روز و خورشید و ماه را برای (مصالح و منافع) شما مسخّر كرد، و ستارگان به فرمان او مسخّر (و برای راهیابی شما در دل تاریكیها، در چرخش و گردش) هستند. مسلّماً در این كار (آفریدن و مسخر كردن) دلایل روشن و نشانه‌های بزرگی(بر قدرت و عظمت خدا) است برای كسانی كه تعقّل می‌ورزند (و در پرتو خرد به كارها می‌نگرند). و چیزهایی را مسخّر شما گردانیده است كه در زمین برای شما به رنگهای مختلف و در انواع گوناگون آفریده است. مسلّماً در این (كار تسخیر و آفرینش) دلیل واضح و نشانه ی روشنی (بر قدرت و عظمت خدا) است برای مردمی كه عبرت می‌گیرند (و از دیدن این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود می‌اندیشند و به سجود می‌افتند). و اوست كه دریا را مسخر (شما) ساخته است تا این كه از آن گوشت تازه بخورید و از آن زیوری بیرون بیاورید كه بر خود می‌پوشید (و خویشتن را بدان می‌آرایید و حس زیبایی را اشباع می‌نمایید) و (تو ای انسان!) كشتیها را می‌بینی كه (سینه) دریا را می‌شكافند و (امتعه و اقوات را بدینجا و آنجا می‌رسانند. خدا این نعمت را به شما داد) تا شما فضل او را بجویید (و از دریا در مسیر تجارت استفاده نمایید) و سپاسگزاری كنید».

ایمان به‌ خدا وسیله‌ی کشف اسرار و تعیین جهت

شناخت خدا از طریق صفات و افعالش نقطه‌ ی شروع صحیحی در زندگی انسان می‌باشد، هرگاه انسان به‌ این نقطه‌ دست یافت از برکتهای هنگفتی بهره‌مند شده‌ است؛ زیرا به‌ سوی پروردگارش راه‌ یافته‌ و هدایت را کسب نموده‌، از این رو گامهایش را بر راهی درست می‌نهد و در نهایت به‌ عاقبتی نیک که‌ بهشت ابدی است دست می‌یابد؛ شناخت خدا و آگاهی از وی ما را به‌ خدا می‌رساند و نفس و درون ما را آراسته‌ و بی‌عیب می‌گرداند، سپس جهان هستی و پدید آورنده‌ی اصلی را به‌ ما معرفی می‌کند. ایمان به‌ خدا پرده‌ از اسرار جهان برمی‌دارد و اهداف جهان هستی و انسان را به‌ ما معرفی می‌نماید.

امام بخاری کار بسیار زیبایی را انجام داده‌ که‌ کتاب جامع صحیح خود را -که‌ بعد از قرآن صحیح‌ترین کتاب است- با کتاب وحی شروع نموده‌ است؛ زیرا وحی تنها راه با امنیت شناخت حقایق زندگی است، پس اگر به‌ خداوند ایمان داشته‌ باشید و او را تصدیق نمایید و از قوانین او پیروی کنید بسیاری از اسرار هستی آشکار می‌گردد.

کسانی که‌ وحی خدا را کنار گذاشته‌اند در دنیایی متلاطم و پر از آشوب زندگی را سپری می‌کنند، و آرامش و آسایش را از دست داده‌اند؛ امروزه‌ بشریت با تمام نیرو و توان خود از پدیدآورنده‌ی اصلی می‌گردد و از اهداف هستی دقت می‌نماید اما هنوز گمراه و سرگردان هستند، و از ارتباط زن و مرد و وظیفه‌ی پول و ثروت و اداره‌ کردن امور سیاسی مردم تحقیق می‌نمایند اما به‌ هیچ دستاویزی راه نیافته‌اند؛ زیرا آنها از نظریات و افکاری متناقض پیروی می‌کنند، و را به‌ جایی رسانیده‌اند که‌ اعلام دارند جهان هستی بدون آفریدگار پدید آمده‌ و زندگی دنیا هدف و مقصد اصلی انسان است و ارتباط زن و مرد بر رذایل بنیان شده‌ و وظیفه‌ی مال و ثروت این است که‌ در سود و رباهای هنگفت بکار گرفته‌ شود؛ این‌گونه‌ نظریه‌ها هر روز در غرب و شرق تغییر پیدا می‌کند، و چه زیبا گفته‌ خداوند آنجا که‌ می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥٧﴾ [البقرة: 257].

«خداوند متولّی و عهده‌دار (امور) كسانی است كه ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریكی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود. و (امّا) كسانی كه كفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و گمراهی) متولّی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاك) بیرون آورده به سوی تاریكیهای (زمخت كفر و فساد) می‌كشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند».

ظلمات (تاریکیها) همان نظریه‌ها و علومی هستند که‌ برای انسان برنامه‌‌ریزی شده‌ و هیچ‌‌ ارتباطی با روش انسان ساز الهی ندارند.

مسلمان به‌ خدا ایمان دارد و از طریق پیامبران قوانین خود را از او فرا می‌گیرد؛ ما خود و خدایمان و راه و منش و جهان پیرامونمان را می‌شناسیم، از این رو تضاد افکاری که‌ بنیان جوامع‌ انسانی را به‌ لرزه‌ درآورده‌ بود به‌ قانونی هماهنگ و همخوان با جامعه‌ ی انسانی تبدیل می‌گردد و تمامی آن تراژدیهایی که‌ موجب بلا و مصیبتهای خانمان سوز شده‌ بودند ریشه کن خواهند شد، و همچنین تمام دیدگاهها و قوانینی که‌ جامعه‌ را دچار تفرقه‌ و پراکندگی نموده‌ بود خاموش و نابود می‌گردند و در نهایت هر چیزی به‌ جایگاه خود باز می‌گردد و جامعه‌ ی انسانی به‌ ملتی متحد و یکپارچه تبدیل می‌شود، همچنانکه‌ خداوند متعال می‌فرماید :

﴿وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱتَّقُونِ ٥٢﴾ [المؤمنون: 52].

«(و بدیشان گفتیم: به اقوام خود برسانند كه) این (پیغمبران بزرگی كه بدانان اشاره شد، همگی) ملّت یگانه‌ای بوده (و آئین واحد و برنامه یكتایی دارند) و من پروردگار همه ی شما هستم».

بنابراین پیروان توحید با وجود اختلاف زمان، محل زندگی و رنگهای مختلف یک امت را تشکیل می‌دهند.

«خداوند‌« محور همه‌ی فعالیت‌ها

لازم است بدانیم که‌ شناخت خدا کافی نیست، بلکه‌ باید خداوند را به‌ عنوان هدف اصلی قرار دهیم، و فعالیت‌های انسانی در مسیری معین و مشخص حرکت کنند تا آغاز و انجام همه‌ی کارها با هم هماهنگ و سازگار شوند؛ اصل اولی که‌ پیرامون آن گفتگو کردیم شناخت خدا است، و اصل دومی که‌ بر اصل نخست بنیان می‌شود این است که‌ تنها به‌ او روی آورده‌ شود. زندگی بدون آن ناهماهنگ و ناموزن است، و این نتیجه‌ای عقلانی برای کسی است که‌ خدا را به‌ عنوان پروردگار و آفریننده‌ قبول نموده‌ و به‌ صفات و افعال او ایمان آورده‌ است؛ چگونه‌ اعلام می‌داریم خداوند کسی است که‌ ما و جهان هستی را به‌ وجود آورده‌ و روزی را برایمان فرستاده‌ اما به‌ دیگری روی می‌آوریم و از قوانین دیگری پیروی می‌کنیم؟! براستی که‌ این‌گونه‌ افکار بسیار متضاد و متناقض بوده و با عقل سلیم و بیدار ناسازگار‌اند.

جامعه‌ ی بشری بسیاری اوقات با این تناقضات روبرو گشته‌ است، برخی از مردم اعتراف کرده‌اند که‌ خداوند پروردگار، آفریننده و روزی دهنده ی آنهاست، اما در برابر جلال و عظمت وی سر تعظیم فرود نیاورده و پاکی او را بیان ننمودند، و به‌ او اعتماد و توکل نکرده‌اند، بلکه‌ دیگران را مورد تقدیس و تعظیم قرار داده‌اند و از کسی کمک خواسته‌اند که‌ شایسته‌ی یاری جستن نیست، و تنها پیام پیامبران الهی برای اقوام و پیروانشان این بوده‌ که‌ آن معبودهای ساختگی سزاوار عبادت را ندارند و تنها معبودی که‌ شایسته‌ی پرستش می‌باشد خداوند بلند مرتبه است؛ زیرا او تنها آفریدگاری است که‌ روزی دهنده، زنده‌، شنونده‌ و بیناست و مرگ و زندگی در اختیار اوست، ابراهیم در مورد خدایان دروغین با قوم خود این چنین به بحث و گفتگو نشست:

﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ ٧٠ قَالُواْ نَعۡبُدُ أَصۡنَامٗا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ ٧١ قَالَ هَلۡ يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ تَدۡعُونَ ٧٢ أَوۡ يَنفَعُونَكُمۡ أَوۡ يَضُرُّونَ ٧٣ قَالُواْ بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ ٧٤ قَالَ أَفَرَءَيۡتُم مَّا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ٧٥ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلۡأَقۡدَمُونَ ٧٦ فَإِنَّهُمۡ عَدُوّٞ لِّيٓ إِلَّا رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٧٧ ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ ٧٨ وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ ٧٩ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ ٨٠ وَٱلَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحۡيِينِ ٨١ وَٱلَّذِيٓ أَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لِي خَطِيٓ‍َٔتِي يَوۡمَ ٱلدِّينِ ٨٢﴾ [الشعراء: 70-82].

«هنگامی كه به پدرش (آزر) و قوم (بت‌پرست) خود گفت: چه چیز را پرستش می‌كنید؟ (چیزهایی را كه می‌پرستید، كی شایسته پرستش می‌باشند؟) ‏(مفتخرانه پاسخ دادند و) گفتند: بتهای بزرگی را می‌پرستیم و دائماً (به پرستش آنها می‌پردازیم و) بر عبادتشان ماندگار می‌مانیم. گفت: آیا هنگامی كه آنها را به كمک می‌خوانید، صدای شما را می‌شنوند و نیازتان را برآورده می‌كنند؟ یا سودی به شما می‌رسانند (اگر از آنها اطاعت كنید؟) و یا زیانی متوجّه شما می‌سازند (اگر از آنها سرپیچی نمائید؟) می‌گویند: (چیزی از این كارها را نمی‌توانند بكنند) فقط ما پدران و نیاكان خود را دیده‌ایم كه این چنین می‌كردند (و بتان را به گونه ما پرستش می‌نمودند و ما هم از كارشان تقلید می‌كنیم و بس. مگر می‌شود پدران و نیاكان ما در اشتباه بوده باشند؟) آیا (می‌دانید كه چه كار می‌كنید و) می‌بینید كه چه چیز را می‌پرستید؟! هم شما و هم پدران پیشین شما. همه آنها دشمن من هستند (آنهایی كه شما معبود خود می‌دانید) جز پروردگار جهانیان. (پروردگار جهانیانی) كه مرا آفریده است، و هم او مرا (به سوی سعادت دنیا و آخرت) راهنمایی می‌سازد (و در سراسر زندگی من حضور دارد و لحظه‌ای از من غافل نیست).‏ آن كسی است كه او مرا میخوراند و می‌نوشاند. و هنگامی كه بیمار شوم اوست كه مرا شفا می‌دهد. و آن كسی است كه (چون اجلم فرا رسید) او مرا می‌میراند و سپس (در رستاخیز برای حساب و كتاب و جزا و سزا) مرا زنده می‌گرداند. و آن كسی است كه امیدوارم در روز جزا و سزا (كه قیامت برپا است) گناهم را بیامرزد)».

براستی که‌ اینها شایسته‌ی عبادت نیستند؛ زیرا هیچ فریادی را نمی‌شنوند و نمی‌توانند هیچ گونه‌ سود و ضرری برسانند، و تنها خداوند سزاوار پرستش است؛ زیرا اوست که‌ می‌خوراند و می‌نوشاند، بیماران را شفا می‌دهد، مرگ و زندگی در اختیار اوست، گناهان را می‌آمرزد و از اشتباهات درمی‌گذرد. خداوند به‌ پیامبرش محمد ص دستور داد با مشرکین مکه‌ رویارویی نماید و بی‌پروا اظهار نموده خدایان آنها شایسته‌ی هیچ یک از آن عبادتها نبوده و تنها خدای یگانه‌ استحقاق تمامی آن عبادتها را دارد:

﴿قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَىٰٓۗ ءَآللَّهُ خَيۡرٌ أَمَّا يُشۡرِكُونَ ٥٩ أَمَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهۡجَةٖ مَّا كَانَ لَكُمۡ أَن تُنۢبِتُواْ شَجَرَهَآۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ يَعۡدِلُونَ ٦٠ أَمَّن جَعَلَ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنۡهَٰرٗا وَجَعَلَ لَهَا رَوَٰسِيَ وَجَعَلَ بَيۡنَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ حَاجِزًاۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٦١ أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٦٢ أَمَّن يَهۡدِيكُمۡ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَمَن يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦٓۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ تَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٣ أَمَّن يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَمَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٦٤﴾ [النمل: 59-64].

«(ای پیغمبر!) بگو: خدای را سپاس (می‌گویم كه تباهكاران همچون قوم ثمود و گردنكشان همسان فرعونیان را به دیار عدم فرستاد، و از خدا درخواست می‌نمایم كه نازل فرماید) رحمت و مغفرت خود را بر بندگان برگزیده خویش. آیا خدا (كه این همه قدرت و نعمت و موهبت دارد) بهتر است (برای پرستش و كرنش) یا چیزهایی كه انباز خدا می‌سازید (و فاقد نفع و ضرر هستند و چیزی از آنها ساخته نیست‌؟). (آیا بتهائی كه معبود شما هستند بهترند) یا كسی كه آسمانها و زمین را آفریده است، و برای شما از آسمان آبی بارانده است كه با آن باغهای زیبا و فرح‌افزا رویانیده‌ایم؟ باغهایی كه شما نمی‌توانستید درختان آنها را برویانید. آیا (با توجّه به آفرینش آسمانها و زمین و نزول باران و بركات و ثمرات ناشی از آن، و هماهنگی و پیوند لطیف و دقیق هر یک از این مخلوقات) معبودی با خداست‌؟! اصلاً ایشان قومی هستند (از حق‌پرستی به بت‌پرستی) عدول می‌كنند. (بتها بهترند) یا كسی كه زمین را قرارگاه (و محلّ اقامت انسانها) ساخته است، و در میان آن رودخانه‌ها پدید آورده است، و برای زمین كوههای پابرجا و استوار آفریده است (تا قشر زمین را از لرزش نگاه دارند) و میان دو دریا مانعی پدیدار كرده است (تا آمیزه یكدیگر نگردند. حال با توجّه به اینها) آیا معبودی با خدا است‌؟! اصلاً بیشتر آنان بی‌خبر و نادانند (و قدر عظمت خدا را نمی‌دانند). (آیا بتها بهترند) یا كسی كه به فریاد درمانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌كند هر گاه او را به كمک طلبد، و شما (انسانها) را (برابر قانون حیات دایماً به طور متناوب) جانشین (یكدیگر در) زمین می‌سازد (و هر دم اقوامی را بر این كره خاكی مسلّط و مستقرّ می‌گرداند. حال با توجّه بدین امور) آیا معبودی با خدا است؟! واقعاً شما بسیار كم اندرز می‌گیرید. (آیا بتهای بی‌جان بهترند) یا كسی كه شما را در تاریكیهای خشكی و دریا رهنمود (و دستگیری) می‌كند، و كسی كه بادها را به عنوان بشارت دهندگان، پیشاپیش نزول رحمتش وزان می‌سازد (و آنها را پیک قدوم باران می‌سازد. در ساختن و راه‌اندازی اینها) آیا معبودی با خدا است‌؟ خدا فراتر و دورتر از این چیزهایی است كه انباز او می‌گردانند. (آیا معبودهای دروغین شما بهترند) یا كسی كه آفرینش را می‌آغازد، سپس آن را برگشت می‌دهد، و كسی كه شما را از آسمان و زمین روزی عطاء می‌كند؟ (حال با توجّه به قدرت آفرینش یزدان، و نظم و نظام موجود در پدیده‌های جهان، و اقرار عقل سالم به زنده شدن دوباره مردمان در دنیای جاویدان) آیا معبودی با خدا است‌؟ (ای پیغمبر بدیشان) بگو: دلیل و برهان خود را بیان دارید اگر راست می‌گویید (كه جز خدا معبودهای دیگری هم وجود دارند)».

بنابراین وقتی خداوند به‌ تنهایی مسئول همه­ی این کارهاست، پس تنها او شایسته ی پرستش است، و تنها روشی که‌ با زندگی انسان سازگار می‌باشد ‌همان است که‌ خداوند برای مردم فرو فرستاده تا در زندگی خصوصی و عمومی خود طبق آن حرکت نمایند. تنها کسانی حق توحید و یگانه‌ پرستی را رعایت نموده‌اند که‌ خدا را شناخته و به‌ او روی آورده و از او پیروی و تبعیت نموده‌اند، و این همان راهی است که‌ انسان را از یوغ خدایان ساختگی بی‌شماری نجات می‌دهد:

﴿ءَأَرۡبَابٞ مُّتَفَرِّقُونَ خَيۡرٌ أَمِ ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ﴾ [يوسف: 39].

«آیا خدایان پراكنده (و گوناگونی كه انسان باید پیرو هر یک از آنها شود) بهترند یا خدای یگانه چیره (بر همه چیز و همه كس‌؟)».

انسان از طریق اسماء و صفات، خدا را می‌شناسد و تنها به‌ او روی می‌آورد، بنابراین خود را با بزرگ ترین و با ارزش ترین موضوع‌ مشغول می‌نماید و همه ی شوق و علاقه‌اش را متوجه‌ خدای یگانه می‌کند، از این رو او را دوست دارد و امیدش به‌ اوست، به‌ او اعتماد و توکل می‌کند، و تنها در راه کسب رضایت او گام برمی‌دارد.

پروردگارا! تنها برای تو سجده‌ می‌بریم و همه‌ی تلاش و کوشش ما تنها برای تو است:

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٢﴾ [الأنعام: 162].

«بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدایی است كه پروردگار جهانیان است (و این است كه تنها خدا را پرستش می‌كنم و كارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او می‌اندازم و بر بذل مال و جان در راه یزدان می‌كوشم و در این راه می‌میرم، تا حیاتم ذخیره مماتم شود)».

آری، انسان با توجه‌ به‌ آموزه‌های خداوند به‌ عنوان محور علم، فکر و عمل بر می‌گزیند؛ محور زندگانی، پیامبران و نیکان بوده‌، و اگر در قرآن به‌ مسیر حرکت پیامبران و فرستادگان الهی بنگرید، می‌فهمید که‌ هدف از بعثت همه ی پیامبران پیرامون این موضوع بوده است:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥﴾ [الأنبياء: 25].

«ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر این كه به او وحی كرده‌ایم كه: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش كنید».

خداوند به رسول خدا ص چنین دستور داد که‌:

﴿قُلۡ إِنَّمَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٨﴾ [الأنبياء: 108].

«(بگو: (اصل دعوت من این است:) به من وحی می‌شود كه معبود شما یكی بیش نیست (و بقیه چیزهای دیگری كه به من وحی می‌گردد، تابع همین اصل اساسی توحید است). حال كه چنین است، آیا شما تسلیم (خداوند یگانه) می‌گردید (و بتهای سنگی و معبودهای طاغوتی را كنار می‌گذارید؟)».

توحید محور قرآن است

کسی که‌ قرآن را به‌ دقت مورد بررسی قرار دهد منظور این آیه‌ را خواهد فهمید؛ زیرا تمام قرآن بیانگر توحید است، و هر آنچه‌ به‌ پیامبرش ص وحی نموده‌ در یکتاپرستی گنجانده شده‌ است. بنابراین قرآن یا اسماء و صفات خداوند را بیان می‌نماید و یا‌ بندگان را به‌ عبادت خدای یگانه‌ فرا می‌خواند. (و این دو روی سکه ی توحید است: توحید اعتقادی که‌ خدا و افعال او را توصیف می‌کند و توحید عملی که‌ بندگان را تنها به‌ سوی پروردگارشان راهنمایی‌ می‌نماید)، و یا دستورات و امور نهی شده‌ای اطاعت و فرمانبرداری از خداوند است و این از مهم ترین ضروریات توحید است، و یا از اکرام یکتاپرستان در دنیا و پاداش آنها در آخرت در مقابل حفظ توحید سخن به میان آورده‌، و یا از سختی و ناراحتیهای مشرکین در دنیا و عذاب و دردهای آخرت آنها بخاطر شرک ورزیدنشان خبر داده‌ است. پس قرآن تنها پیرامون توحید و یگانه‌ پرستی بحث می‌نماید:

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَمَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا١١٠﴾ [الكهف: 110].

«(ای پیغمبر!) بگو: من فقط انسانی همچون شما هستم (و امتیاز من این است كه من پیغمبر خدایم و آنچه گفت: بگو؛ می‌گویم) و به من وحی می‌شود كه معبود شما یكی است و بس. پس هركس كه خواهان دیدار خدای خویش است، باید كه كار شایسته كند، و در پرستش پروردگارش كسی را شریک قرار ندهد)».

کسی که‌ خدا ندارد هیچ چیزی ندارد

توحید نقطه‌ی شروع و پایان زندگانی انسان مسلمان و امت اسلامی است و کسی که‌ از توحید روبرتابد در دنیا و آخرت زیان می‌بیند در حقیقت او از الاغ گمراه‌تر است، پس زندگانی سختی را سپری می‌کند و کیفر اعمالش را خواهد چشید و گناهانش مورد بخشش واقع نمی‌شوند و سرانجام با شقاوت و بدبختی روبرو خواهد شد:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفۡتَرَىٰٓ إِثۡمًا عَظِيمًا ٤٨﴾ [النساء: 48].

«بی‌گمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی‌بخشد، ولی گناهان جز آن را از هركس كه خود بخواهد می‌بخشد. و هر كه برای خدا شریكی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتكب شده است».

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ١١٦﴾ [النساء: 116].

«بی‌گمان خداوند شرک ورزیدن به خود را (از كسی) نمی‌آمرزد و بلكه پایین‌تر از آن را از هركس كه بخواهد (و صلاح بداند) می‌بخشد. هر كه برای خدا انباز بگیرد ، به راستی بسی گمراه گشته است (و خیلی از حق پرت شده است)».

﴿حُنَفَآءَ لِلَّهِ غَيۡرَ مُشۡرِكِينَ بِهِۦۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَتَخۡطَفُهُ ٱلطَّيۡرُ أَوۡ تَهۡوِي بِهِ ٱلرِّيحُ فِي مَكَانٖ سَحِيقٖ ٣١﴾ [الحج: 31].

«حقّگرا و مخلص خدا باشید، و هیچ گونه شركی برای خدا قرار ندهید. زیرا كسی كه برای خدا انبازی قرار دهد، انگار (به خاطر سقوط از اوج ایمان به حضیض كفر) از آسمان فرو افتاده است (و به بدترین شكل جان داده است) و پرندگان (تكّه‌های بدن) او را می‌ربایند، یا این كه تند باد او را به مكان بسیار دوری (و دره ژرفی) پرتاب می‌كند (و وی را آن چنان بر زمین می‌كوبد كه بدنش متلاشی و هر قطعه‌ای از آن به نقطه‌ای پرت می‌شود)».

و مادام که‌ گناهانشان مورد عفو واقع نشود آنها از بهشت محروم شده و برای همیشه‌ در آتش دوزخ باقی خواهند ماند:

﴿إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُ﴾ [المائدة: 72].

«بی‌گمان هر كس انبازی برای خدا قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام كرده است (و هرگز به بهشت گام نمی‌نهد) و جایگاه او آتش (دوزخ) است».

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمۡ أَبۡوَٰبُ ٱلسَّمَآءِ وَلَا يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلۡجَمَلُ فِي سَمِّ ٱلۡخِيَاطِۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٤٠ لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٞ وَمِن فَوۡقِهِمۡ غَوَاشٖۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ٤١﴾ [الأعراف: 40-41].

«بی‌گمان كسانی كه آیات (كتاب‌های آسمانی و نشانه‌های گسترده جهانی) ما را تكذیب می‌كنند و خویشتن را بالاتر از آن می‌دانند كه بدانها گردن نهند، درهای آسمان بر روی آنان باز نمی‌گردد (و خودشان بی‌ارج و اعمالشان بی‌ارزش می‌ماند) و به بهشت وارد نمی‌شوند مگر این كه شتر از سوراخ سوزن خیاطی بگذرد (كه به هیچ وجه امكان ندارد، و لذا ایشان هرگز به بهشت داخل نمی‌گردند). این چنین ما گناهكاران را جزا و سزا می‌دهیم. برای آنان (در دوزخ) بستری از آتش و بالاپوشهایی از آتش است. ما این چنین جزا و سزای ستمكاران (گمراه و كفرپیشه) را می‌دهیم».

در روایتی آمده‌ که‌ پیامبر خدا ص فرمود: در روز قیامت ابراهیم غم و اندوه و افسردگی را بر رخسار پدرش آزر مشاهده‌ می‌کند، آنگاه ابراهیم به‌ او می‌گوید: مگر به‌ شما نگفتم از دستور من سرپیچی مکن؟ آزر می‌گوید: اکنون به‌ فرمان شما گوش فرا می‌دهم. ابراهیم می‌گوید: پروردگارا! تو وعده‌ دادی که‌ در روز واپسین مرا شرمنده‌ نکنی، ولی امروز‌ پدرم را از بهشت محروم می‌گردانی؟ پروردگار می‌فرماید: من هرگز کافران را وارد بهشت نمی‌کنم. سپس به‌ ابراهیم می‌گوید: ای ابراهیم! چه چیزی در کنارت ایستاده‌ است؟ آنگاه ابراهیم کفتاری آلوده‌ و نجس را مشاهده می‌کند (یعنی خداوند پدر ابراهیم را به‌ کفتاری تبدیل می‌نماید تا مردم او را نشناسند و ابراهیم آزرده‌ خاطر نشود) سپس دست و پایش را گرفته و به‌ آتش جهنم می‌اندازند[[3]](#footnote-3).

خداوند متعال در این زمینه‌ می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ مَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٞ فَلَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡ ٣٤﴾ [محمد: 34].

«كسانی كه كافر گردند و مردمان را از راه خدا بازدارند و سپس بمیرند در حالی كه كافر باشند، هرگز خداوند ایشان را نخواهد بخشید».

اما یکتاپرستانی که‌ بر توحید باقی ماندند به‌ پاس تلاش و کوششی که‌ در این راه انجام دادند پاداش می‌گیرند و گناهانشان نیز بخشیده‌ خواهد شد:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتۡ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡفِرۡدَوۡسِ نُزُلًا ١٠٧ خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يَبۡغُونَ عَنۡهَا حِوَلٗا ١٠٨﴾ [الكهف: 107-108].

«بی‌گمان كسانی كه ایمان آورده‌اند و كارهای شایسته كرده‌اند، باغهای بهشت جایگاه پذیرایی از ایشان است. جاودانه در آنجا می‌مانند و تقاضای نقل مكان از آنجا را نمی‌نمایند ( و حاضر نیستند آن را با چیزی عوض كنند)».

توحید نخستین مسئولیت دعوتگران است

بنابراین اگر توحید چنین مقام والایی دارد و خطر بزرگ شرک را از بین می‌برد، انسان مسلمان باید به‌ دقت آن را شناسایی کند و خود را از شرک نجات دهد، زیرا چنانکه‌ ابن مسعود بیان داشته‌ شرک از خزیدن مورچه‌ نیز پوشیده‌تر و پنهان‌تر است.

دعوتگران نیز تمام تلاش و کوشش خود را در راستای آگاهی مردم صرف نموده و توحید را به‌ آنها معرفی کنند و خالص نمودن دین برای خدای یگانه‌ را برای آنها تعریف نمایند، و همانند پیامبران‌ توحید را اصل و اساس تمام کارهایشان قرار داده و مشکلات و قضایای مردم را در پیروی از یکتاپرستی بدانند.

شرک هنوز هم ماندگار است

روشهای گوناگون شرک در زندگی جوامع انسانی به‌ وضوح دیده‌ می‌شود. در بسیاری از کشورهای جهان مجسمه، بت، گاو و دیگر حیوانات از احترام ویژه‌ای برخوردار و پرستش می‌شوند. در سرزمینهای اسلامی کسانی یافته می‌شوند که‌ از مردگان یاری می‌جویند و با نذر و قربانی کردن برای آنها و طواف به‌ دور قبرهایشان آنها را مورد پرستش قرار می‌دهند.

شرکی که‌ امروز بسیار رایج است

مصیبت بسیار بزرگ این است که‌ امروزه برخی از انسانها خود را شریک خداوند پنداشته و می‌خواهند همانند او قانون‌گذاری نمایند، و‌ کسانی به ‌‌پا خواسته‌ و قوانین و برنامه‌هایی مخالف با قوانین الهی را برای انسان تدوین نموده‌اند، براستی که‌ قانونمداران بر‌ حقوق خداوند شورش کرده و بدان تجاوز نموده‌اند:

﴿إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ [يوسف: 40].

«(فرمانروایی از آن خداست و بس. (این، اوست كه بر كائنات حكومت می‌كند و از جمله عقاید و عبادات را وضع می‌نماید)».

 و خود را شریک خداوند قرار داده‌اند:

﴿أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُ﴾ [الشورى: 21].

«(شاید آنان انبازها و معبودهائی دارند كه برای ایشان دینی را پدید آورده‌اند كه خدا بدان اجازه نداده است (و از آن بی‌خبر است‌؟)».

این نشانه­ی‌ نادانی و گمراهی است:

﴿أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ٥٠﴾ [المائدة: 50].

«آیا (آن فاسقان از پذیرش حكم تو بر طبق آنچه خدا نازل كرده است سرپیچی می‌كنند و) جویای حكم جاهلیت (ناشی از هوی و هوس) هستند؟ آیا چه كسی برای افراد معتقد بهتر از خدا حكم می‌كند؟».

تمام کسانی که‌ این قوانین را وضع نموده‌اند، در مقابل آن سر تسلیم فرود آورده و توحید و ایمان خود را نقض نموده و ستمکارانه ندای توحید سر می­دهند:

﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعۡنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٧﴾ [النور: 47].

«(از جمله كسانی كه خدا توفیق هدایت قرینشان نفرموده است، منافقانی هستند كه پرتو ایمان به دلهایشان نتابیده است، ولی دم از ایمان می‌زنند) و می‌گویند: به خدا و پیغمبر ایمان داریم و (از اوامرشان) اطاعت می‌كنیم، امّا پس از این ادّعاء، گروهی از ایشان (از شركت در اعمال خیر همچون جهاد، و از حكم قضاوت شرعی) رویگردان می‌شوند، و آنان در حقیقت مؤمن نیستند».

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزۡعُمُونَ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوٓاْ إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ وَقَدۡ أُمِرُوٓاْ أَن يَكۡفُرُواْ بِهِۦۖ وَيُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمۡ ضَلَٰلَۢا بَعِيدٗا ٦٠﴾ [النساء: 60].

«(ای پیغمبر!) آیا تعجّب نمی‌كنی از كسانی كه می‌گویند كه آنان بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند (ولی با وجود تصدیق كتابهای آسمانی، به هنگام اختلاف) می‌خواهند داوری را به پیش طاغوت ببرند (و حكم او را به جای حكم خدا بپذیرند؟!). و حال آن كه بدیشان فرمان داده شده است كه (به خدا ایمان داشته و ) به طاغوت ایمان نداشته باشند. و اهریمن می‌خواهد كه ایشان را بسی گمراه (و از راه حق و حقیقت بدر) كند)».

خداوند بلند مرتبه اهل کتاب را مورد نکوهش قرار داده‌؛ زیرا ایشان از قوانین عالمان دینی و پارسایان خود پیروی نمودند که‌ بر خلاف شریعت الهی پی‌ریزی شده‌ بود:

﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ﴾ [التوبة: 31].

«یهودیان و ترسایان علاوه از خدا، علمای دینی و پارسایان خود را هم به خدایی پذیرفته‌اند (چرا كه علما و پارسایان، حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال می‌كنند، و خودسرانه قانونگذاری می‌نمایند، و دیگران هم از ایشان فرمان می‌برند و سخنان آنان را دین می‌دانند و كوركورانه به دنبالشان روان می‌گردند. ترسایان افزون بر آن) مسیح پسر مریم را نیز خدا می‌شمارند».

دعوت توحید خواهان پایبندی به‌ آیین برحق است و این که‌ خدا را به‌ عنوان پروردگار و معبود خود قرار دهیم و در نماز و روزه‌ و دعاهایمان به‌ او روی آوریم، و اگر در مسایل سیاسی، اقتصادی، آموزشی و... از قوانین او روی گردانیم و در برابر آن تکبر ورزیم با همان گمراهی و انحرافی مواجه‌ می‌شویم که‌ مشرکین با آن روبرو‌ شده‌ بودند و همراه با خداوند معبودان دیگری را نیز عبادت می‌کردند.

نشانه‌های یکتاپرستی

هنگامی که‌ برای برافراشتن پرچمی که‌ از گذشتگان خود تحویل گرفته‌ایم و در اطراف و اکناف این سرزمین قدم برمی‌داریم، باید به نکات زیر توجه نماییم:

1. دعوت مردم به‌ توحید و یگانه‌ پرستی از جهت شناخت خدا در فکر و بینش و از نظر عبادت و پرستش او در کردار و رفتار همان رخداد بزرگ اسلامی است که‌ در طول تاریخ بشریت کشمکش و اختلافهای زیادی را به‌ وجود آورده‌، و همان رسالت پیامبران است که دعوتشان را بر آن بنیان ‌نهاده‌اند، و کسانی که‌ این قضیه‌ را نفهمیده‌اند و از آن روی برتافته‌اند دچار خسارت و ضرر و زیان گشته‌اند.
2. موضوع توحید و یگانه‌ پرستی به روشهای زیر تحقق می‌یابد:

1- اینکه‌ پروردگارمان را بشناسیم و اقرار نماییم که‌ او آفریدگار ما و جهان هستی و نشانه‌های آن است، و یقین داشته‌ باشیم که‌ او جهان هستی و امور آن را با قدرت و نیروی بی‌پایانش اداره می‌کند، و از همه‌ی مخلوقاتش خبر دارد و هرآنچه‌ که‌ اراده کند به‌ وقوع می‌پیوندد و آنچه‌ که‌ نخواهد هرگز رخ نمی‌دهد:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥﴾ [البقرة: 255].

خدایی جز الله وجود ندارد و او زنده پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آنِ اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است (و در ملک كائنات، او را انبازی نیست). كیست آن كه در پیشگاه او میانجیگری كند مگر با اجازه ی او؟ می‌داند آنچه را كه در پیش روی مردمان است و آنچه را كه در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمانها و مكانها در پیشگاه علم او یكسان است . مردمان) چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را كه وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌كران او است). فرماندهی و فرمانروایی او آسمانها و زمین را دربر گرفته است، و نگاهداری آن دو ( برای او گران نیست و ) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است).

خداوند سبحان به‌ پیامبرش محمد ص دستور می‌دهد که‌ پروردگارش را ندا دهد، و به‌ این حقیقت اقرار نموده و این گونه‌ به‌ مناجات بپردازد:

﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٦ تُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۖ وَتُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَتُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّۖ وَتَرۡزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٢٧﴾ [آل‌عمران: 26-27].

«(بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! تو هر كه را بخواهی حكومت و دارایی می‌بخشی و از هر كه بخواهی حكومت و دارایی را بازپس می‌گیری، و هر كس را بخواهی عزّت و قدرت می‌دهی و هركس را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بی‌گمان تو بر هر چیزی توانایی. (بخشی از) شب را جزو روز می‌گردانی (و بدین سبب شبها كوتاه و روزها دراز می‌گردند) و (بخشی از) روز را جزو شب می‌گردانی (و لذا روزها كوتاه و شبها دراز می‌شوند) و زنده را از مرده پدید می‌آوری و مرده را از زنده، و به هر كس كه بخواهی بدون حساب روزی می‌بخشی».

2- اینکه‌ اعتراف نماییم که‌ تنها این خدای آفریدگار، روزی دهنده، تدبیر کننده، توانا و دارای تمام صفات کمال و جلال شایستگی عبادت را دارد.

بسیاری از مردم وجود خدا را باور داشته‌ و اقرار می‌نمایند که‌ او آفریدگار هستی و روزی دهنده‌ است و مرگ و زندگی در اختیار اوست، اما همراه با او دیگران را نیز می‌پرستند. به‌ عنوان نمونه‌ اعراب سرزمین حجاز خدا را می‌پرستیدند و حج می‌کردند و در دعاهایشان او را فرا می‌خواندند، به‌ گمان خود فرزندان ابراهیم و حاملان دعوت او بودند و اقرار می‌کردند که‌ آفریدگار و روزی دهنده ی آنهاست و مرگ و زندگی شان در اختیار او است، اما همراه با او بت و... را می‌پرستیدند:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٦١﴾ [العنكبوت: 61].

«هر گاه از آنان (كه كسانی و یا بتهایی را شریک خدا می‌دانند) بپرسی چه كسی آسمانها و زمین را آفریده است، و خورشید و ماه را (برای منافع شما انسانها روان و) مسخّر كرده است‌؟ قطعاً خواهند گفت: خدا! (چرا كه می‌دانند كه این معبودهای دروغین همه مخلوقند و توانایی آفرینش كائنات و چرخش كرات را نداشته و ندارند)».

﴿قُل لِّمَنِ ٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهَآ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٤ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٨٥ قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبۡعِ وَرَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ٨٦ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٨٧ قُلۡ مَنۢ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٨ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ ٨٩﴾ [المؤمنون: 84-89].

«بگو: زمین و كسانی كه در زمین هستند از آن كیستند، اگر دانا و فرزانه‌اید؟! ‏(بر اساس ندای فطرت، و بداهت عقل) خواهند گفت: (همه كائنات، و از جمله زمین و ساكنان آن) از آن خدایند. بگو: پس چرا نمی‌اندیشید و یادآور نمی‌گردید (كه تنها مالک كائنات شایسته پرستش است و بس‌؟). بگو: چه كسی صاحب آسمانهای هفتگانه و صاحب عرش عظیم است‌؟ (آیا ملک كائنات و فرمانروایی بر آنها از آن كیست‌؟). خواهند گفت: از آن خداست. بگو: پس چرا پرهیزگاری پیش نمی‌گیرید (و خویشتن را از فرجام شرک و كفر و عصیان نسبت به یزدان، صاحب و فرمانده جهان به دور نمی‌دارید؟!). بگو: آیا چه كسی فرماندهی بزرگ همه‌چیز را در دست دارد (و ملک فراخ كائنات و حكومت مطلقه بر موجودات، از آن او است؟) و او كسی است كه پناه می‌دهد (هر كه را بخواهد) و كسی را (نمی‌توان) از (عذاب) او پناه داد، اگر فهمیده و آگاهید؟! خواهند گفت: از آن خداست. بگو: پس چگونه گول (هوی و هوس و وسوسه شیاطین را) می‌خورید و (از حق كناره‌گیری می‌كنید، انگار) جادو و جنبل می‌شوید؟)».

بدون شک این تناقض واضح و آشکاری است، چگونه‌ خدا را به یگانگی و به عنوان آفریدگار‌ و روزی دهنده قبول داشتند و باور داشتند که مرگ و زندگی در اختیار اوست‌، ولی در عبادت، دعا و کمک و یاری دیگران را بخوانند و چگونه‌ به‌ قوانینی که انسان وضع نموده گردن می‌نهند و از رفتار آنها پیروی می‌‌نمایند؟! همه‌ی اینها نشانه‌ی گمراهی است.

برخی از نویسندگان وصف ایمان را به همه‌ی کسانی که‌ به‌ وجود خدا و آفریدگار بودن او اعتراف نموده‌اند اطلاق کرده‌اند، هرچند که‌ او را عبادت ننمایند و از روش او پیروی نکنند، این اشتباهی آشکار است؛ زیرا چهارچوب ایمان و نشانه‌های آن واضح و مشخص می‌باشد. از این رو مؤمن کسی است که‌ طبق قرآن و سنت بدان چنگ زند. هنگامی که‌ از پیامبر ص در مورد ایمان پرسیده می‌شد، می‌فرمود:

«أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ»[[4]](#footnote-4)1. «ایمان یعنی‌ به‌ وجود خدا، فرشتگان، کتابها، پیامبران و روز واپسین یقین داشته‌ باشی».

هر کسی یکی از این ارکان پنجگانه‌ را نپذیرد و در مقابل آن کوتاهی نماید مؤمن محسوب نمی‌شود، بنابر این ایمان تنها باور داشتن وجود خداوند نیست.

موضوع‌ دیگر اسلوب قرآن در ستیز‌ با مشرکینی است که‌‌ وجود خدا را قبول داشتند و او را آفریدگار و روزی دهنده و این که مرگ و زندگی در اختیار اوست و تدبیر کننده و گرداننده امور می‌شناختند، اما همراه با او دیگری را می‌پرستیدند. بنابراین قرآن ابتدا صفات خداوند را به‌ طور مفصل توضیح داده‌ تا کسی که‌ آفریدگار و روزی دهنده است شایسته عبادت است و جز او کسی دیگر شایستگی پرستش را ندارد.

خداوند متعال در این زمینه، خطاب به‌ مشرکین می‌فرماید:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ كَانَتَا رَتۡقٗا فَفَتَقۡنَٰهُمَاۖ وَجَعَلۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ كُلَّ شَيۡءٍ حَيٍّۚ أَفَلَا يُؤۡمِنُونَ ٣٠ وَجَعَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمۡ وَجَعَلۡنَا فِيهَا فِجَاجٗا سُبُلٗا لَّعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ٣١ وَجَعَلۡنَا ٱلسَّمَآءَ سَقۡفٗا مَّحۡفُوظٗاۖ وَهُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهَا مُعۡرِضُونَ ٣٢ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ٣٣﴾ [الأنبياء: 30-33].

«آیا كافران نمی‌بینند كه آسمانها و زمین (در آغاز خلقت به صورت توده عظیمی در گستره فضا، یكپارچه) به هم متّصل بوده و سپس (بر اثر انفجار درونی هولناكی) آنها را از هم جدا ساخته‌ایم (و تدریجاً به صورت جهان كنونی درآورده‌ایم) و هرچیز زنده‌ای را (اعم از انسان و حیوان و گیاه) از آب آفریده‌ایم. آیا (درباره آفرینش كائنات نمی‌اندیشند و) ایمان نمی‌آورند؟ ما در زمین كوههای استوار و ریشه‌داری پدید آورده‌ایم تا زمین انسانها را مضطرب نسازد و توازن آنان را به هم نزند (و كوهها از فشار گدازه‌ها و گازهای درونی، و حركات پوسته زمین، و از وزش تند بادها، تا حدّ زیادی جلوگیری كنند)، و در لابلای كوهها راههای گشادی به وجود آورده‌ایم، تا این كه (پیوند انسانها به وسیله سلسله جبالها از هم نگسلد و به مقصدشان) راهیاب گردند (و با دیدن این آثار به ذات آفریدگار پی ببرند). و ما آسمان را سقف محفوظی نمودیم، ولی آنان از نشانه‌های (خداشناسی موجود در) آن روی گردانند (و درباره این همه عظمتی كه بالای سرشان جلوه‌گر است نمی‌اندیشند). خداست كه شب و روز و خورشید و ماه را آفریده ‌است و همه در مداری می‌گردند (كه او برای آنها تعیین كرده است)».

3- اینکه‌ از آیاتی که‌ اسماء و صفات و افعال خدا را بیان می‌کنند پروردگارمان را بشناسیم و، و این بهترین راهی است که‌ بندگان را به‌ خدا می‌رساند و به‌ طور شایسته‌ای او را می‌شناسند. زیرا خداوند در دنیا دیده‌ و مشاهده‌ نمی‌شود، و کسی که‌ با تدبر و تفکر قرآن را مطالعه‌ نماید، می‌فهمد که آن آکنده از خداشناسی و بحث از اسماء و صفات وی می‌باشد.

اندیشیدن در اسماء و صفات خدا و ندا دادن و عظمت و بزرگی او با اسماء و صفاتی که‌ برای خود قائل شده،‌ بینش و درون انسان را زنده‌ می‌گرداند و آرامش و زندگی را به‌ او باز می‌گرداند:

﴿أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ﴾ [الرعد: 28].

«هان! دلها با یاد خدا آرام می‌گیرند (و از تذكّر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و كسب رضای یزدان اطمینان پیدا می‌كنند)».

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: 180].

«خدا دارای زیباترین نامهاست (كه بر بهترین معانی و كامل ترین صفات دلالت می‌نمایند. پس به هنگام ستایش یزدان و درخواست حاجات خویش از خدای سبحان) او را بدان نامها فریاد دارید و بخوانید».

4- معنی عبادت بسیار گسترده‌ و وسیع است، از این‌رو عبادتی که‌ به‌ ما دستور داده‌ شده تا‌ خدا را به‌ وسیله‌ی آن بخوانیم، کلمه‌ای است که‌ شامل شعارهای دینداری (عبادات)، اعمال قلبی(نیت) و سلوک و رفتار است، بنابراین آنچه که‌ امروز رایج است،‌ منظور از شریعتی که‌ به‌ ما دستور داده‌ شده‌ از آن پیروی نماییم تنها شعارهای دینداری (عبادات) نیست.

5- برای توحید و یگانه‌‌پرستی تنها اقرار به‌ وحدانیت خدا در ربوبیت (توحید اعتقادی) و الوهیت (توحید عملی) کافی نیست، بلکه‌ باید علاوه بر آن به طاغوتهایی که‌ در برابر خدا قرار گرفته و مورد پرستش واقع می‌شوند کفر ورزیده‌ شود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَا﴾ [البقرة: 256].

«بنابراین كسی كه از طاغوت (شیطان و بتها و معبودهای پوشالی و هر موجودی كه بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف كند) نافرمانی كند و به خدا ایمان بیاورد، به محكم‌ترین دستاویز درآویخته است (و او را از سقوط و هلاكت می‌رهاند و) اصلاً گسستن ندارد».

عبادت بدین معنی نیست که‌ خدا را بستاییم و سپس با کفار و ستمگران صلح و آشتی نماییم، بلکه‌ کفر به‌ باطل و جنگ و مقابله‌ با آن از صمیم ایمان است و هرگز نباید با آنها‌ سازش کرد.

6ـ کینه‌ و دشمنی با طاغوت و طاغوتیان؛ برخی از دعوتگران اسلامی بر این باورند که‌ ما نسبت به‌ کافران و فاسقان هیچ‌گونه‌ نفرت و کینه‌ای نداریم و خواهان نیکی و خوبی برای آنها هستیم؛ زیرا انسان مسلمان کینه توز نیست و نسبت به‌ کسی بغض و کینه‌ ندارد؛ اما باید بدانیم که‌ این کلمه‌ حاوی حق و باطل است: باطل از این‌رو که‌ معتقد هستند مسلمان نسبت به‌ کسی بغض و کینه‌ ندارد، و این سخنی نادرست است؛ زیرا خداوند به‌ ما دستور داده‌ که‌ نسبت به‌ شیطان، فرعون، ابوجهل و ... نهایت نفرت و کینه‌ داشته‌ باشیم، اینها دشمنان خدا هستند و خداوند از آنها بیزار است و آنها را ناپسند می‌شمارد، و خداوند از ما خواسته‌ که‌ با دشمنانش دشمنی بورزیم و آنها را زشت و منفور بدانیم:

﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٖ مِّنۡهُ﴾ [المجادلة: 22].

«مردمانی را نخواهی یافت كه به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند، ولی كسانی را به دوستی بگیرند كه با خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند، هرچند كه آنان پدران، یا پسران، یا برادران، و یا قوم و قبیله ایشان باشند. چرا كه مؤمنان، خدا بر دلهایشان رقم ایمان زده است، و با نفخه ربانی خود یاریشان داده است و تقویتشان كرده است».

و درباره‌ی محبت و ارتباط با آنها به ما چنین هشدار می‌دهد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمۡ أَوۡلِيَآءَ تُلۡقُونَ إِلَيۡهِم بِٱلۡمَوَدَّةِ﴾ [الممتحنة: 4].

«ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خویش را به دوستی نگیرید. شما نسبت بدیشان محبت می‌كنید و مودت می‌ورزید».

خداوند به‌ ما دستور می‌دهد تا از‌ ابراهیم و همراهانش پیروی نموده و او را سرمشق و الگوی خود قرار دهیم:

﴿قَدۡ كَانَتۡ لَكُمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذۡ قَالُواْ لِقَوۡمِهِمۡ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمۡ وَمِمَّا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرۡنَا بِكُمۡ وَبَدَا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةُ وَٱلۡبَغۡضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥٓ﴾ [الممتحنة: 4].

«(رفتار و كردار) ابراهیم و كسانی كه بدو گرویده بودند، الگوی خوبی برای شماست، بدانگاه كه به قوم خود گفتند: ما از شما و از چیزهایی كه به غیر از خدا می‌پرستید، بیزار و گریزانیم، و شما را قبول نداریم و در حق شما بی‌اعتناییم، و دشمنانگی و كینه‌توزی همیشگی میان ما و شما پدیدار آمده است، تا زمانی كه به خدای یگانه ایمان می‌آورید و او را به یگانگی می‌پرستید».

لازم به‌ ذکر است که‌ این موضوع‌ در قرآن و سنت واضح و آشکار می‌باشد.

در حقیقت ما از این‌رو خواهان نیکی و خوبی به ستمگران و کافران هستیم که‌ آنها را به‌ سوی ایمان دعوت می‌نماییم و خواهان مسلمان شدن آنها هستیم.

برادران و خواهران گرامی! شناخت خدا همراه با اسماء و صفاتش و روی آوردن‌ به‌ عبادت و پرستش او و پیروی نمودن از روشی که‌ در کتابش خود نازل کرده‌ و پیامبر آن ‌را بیان نموده،‌ تنها درمان بیماریها و شفای دردهای انسانهاست و مایه‌ی شادابی روح و روان ماست و باطن‌ درونمان را روشن می‌گرداند:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَاۚ مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَا﴾ [الشورى: 52].

«‏همان گونه كه به پیغمبران پیشین وحی كرده‌ایم، به تو نیز به فرمان خود جان را وحی كرده‌ایم (كه قرآن نام دارد و مایه حیات دلها است. پیش از وحی) تو كه نمی‌دانستی كتاب چیست و ایمان كدام، ولیكن ما قرآن را نور عظیمی نموده‌ایم كه در پرتو آن هر كس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌بخشیم».

خداوند بدین جهت وحی را روح و نور نامیده که وحی به‌ روح و روان نور و روشنایی می‌بخشد و او را به‌ زندگی حقیقی پیوند می‌دهد، انسان بدون این روح مانند حیواناتی است که می‌خورند و می‌نوشند و جنس بازی می‌نمایند.

اما روحی که‌ انسان را به‌ قله‌های کمال می‌رساند و او را بر دیگران برتری می‌دهد، همان روحی است که‌ هنگام ارتباط با وحی الهی جان و روان او را فرا می‌گیرد.

کسانی که‌ فاقد چنین روحی هستند، همچون مردگان‌ بی‌جان می‌باشند گرچه به ظاهر زنده‌اند.

 خداوند می‌فرماید:

﴿أَوَ مَن كَانَ مَيۡتٗا فَأَحۡيَيۡنَٰهُ﴾ [الأنعام: 122].

«آیا كسی كه (به سبب كفر و گمراهی همچون) مرده‌ای بوده است و ما او را با اعطای ایمان در پرتو قرآن) زنده كرده‌ایم».

کافران و گمراهان مانند مردگان بدون تحرک می‌باشند، که خداوند به‌ وسیله‌ی وحی و کتابش به‌ او جان می‌دهد و او را زنده‌ می‌گرداند؛ و کسی که‌ برای این دین خالصانه قدم بر ندارد دارای قلب و درونی بیمار است:

﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗا﴾ [البقرة: 10].

«در دل‌هایشان بیماری حسودی و كینه‌توزی با مؤمنان) است و خداوند نیز با یاری دادن و پیروز گرداندن حق) بیماری ایشان را فزونی می‌بخشد».

تنها راه نجات از بیماری روح و روان پیروی کردن از این دین آسمانی است. لازم به‌ یادآوری است که‌ پیامهای افراد سرگردان و گم‌گشته‌ای همچون: انگلس، مارکس، سارتر، میشل عفلق و... بر‌ نیرو و شاداب بودن‌ روح و روان انسان نمی‌افزایند.

وحی خداوند نوری است که‌ پرده ی تاریکیهای جهل و کفر را پاره می‌کند:

﴿أَوَ مَن كَانَ مَيۡتٗا فَأَحۡيَيۡنَٰهُ وَجَعَلۡنَا لَهُۥ نُورٗا يَمۡشِي بِهِۦ فِي ٱلنَّاسِ﴾ [الأنعام: 122].

«(آیا كسی كه (به سبب كفر و گمراهی همچون) مرده‌ای بوده است و ما او را (با اعطای ایمان در پرتو قرآن) زنده كرده‌ایم و نوری (از مناره ایمان) فرا راه او داشته‌ایم كه در پرتو آن، میان مردمان راه می‌رود (و چشم او را روشنایی، گوش او را شنوایی، زبان او را توان گفتار، و دست و پای او را قدرت انجام كار می‌بخشد)».

﴿وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَا﴾ [الشورى: 52].

«ولی ما قرآن را نور عظیمی نموده‌ایم كه در پرتو آن هر كس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌بخشیم».

خداوند برای نور هدایتی که‌ منبع آن کتاب خدا و سنت پیامبر ص است‌ و در قلب انسان مؤمن می‌درخشد، مثال بسیار زیبایی ذکر کرده و می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ مَثَلُ نُورِهِۦ كَمِشۡكَوٰةٖ فِيهَا مِصۡبَاحٌۖ ٱلۡمِصۡبَاحُ فِي زُجَاجَةٍۖ ٱلزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوۡكَبٞ دُرِّيّٞ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٖ مُّبَٰرَكَةٖ زَيۡتُونَةٖ لَّا شَرۡقِيَّةٖ وَلَا غَرۡبِيَّةٖ يَكَادُ زَيۡتُهَا يُضِيٓءُ وَلَوۡ لَمۡ تَمۡسَسۡهُ نَارٞۚ نُّورٌ عَلَىٰ نُورٖۚ يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَيَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَٰلَ لِلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٣٥﴾ [النور: 35].

«خداوند روشنگر آسمانها و زمین است (و اوست كه جهان را با نور فیزیكی ستارگان تابان، و با نور معنوی وحی و هدایت و معرفت درخشان، و با شواهد و آثار موجود در مخلوقات فروزان كرده است). نور خدا، به چلچراغی می‌ماند كه در آن چراغی باشد و آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حباب درخشانی كه انگار ستاره فروزان است، و این چراغ (با روغنی) افروخته شود (كه) از درخت پربركت زیتونی (به دست آید) كه نه شرقی و نه غربی است (بلكه تک درختی است در سرزمین باز و بلندی كه از هر سو آفتاب بدان می‌تابد . به گونه‌ای روغنش پالوده و خالص است) انگار روغن آن بدون تماس با آتش دارد شعله‌ور می‌شود. نوری است بر فراز نوری! (نور چلچراغ و نور حباب و نور روغن زیتون، همه‌جا را نورباران كرده‌اند. به همین منوال هم نور تشریعی وحی و نور تكوینی هدایت و نور عقلانی معرفت پرده‌های شک و شبهه را از جلوی دیدگان همگان كنار زده، و جمال ایزد بلند مرتبه را بر در و دیوار وجود به تجلّی انداخته‌اند. امّا این چشم بینا و دل آگاه است كه می‌تواند ببیند و دریابد). خدا هر كه را بخواهد به نور خود رهنمود می‌كند (و شمعک نور خرد را به چلچراغ نور اَحَد می‌رساند و سراپا فروزانش می‌گرداند). خداوند برای مردمان مثلها می‌زند (تا معقول را در قالب محسوس بنمایاند و دور از دایره دریافت خرد را - تا آنجا كه ممكن است، با كمک وحی و در پرتو دانش‌ - به خرد نزدیک نماید) و خداوند آگاه از هر چیزی است (و می‌داند چگونه مخلوق را با معبود آشنا گرداند)».

این مثالی است که‌ خداوند برای نور خود در قلب انسان مؤمن ذکر کرده‌، و نور را به‌ چراغ، و قلب انسان مؤمن را به‌ حباب تشبیه‌ نموده‌ است، و شریعتی که‌ منبع نور قلب انسان است را به‌ روغن صاف، پاکیزه‌ و معتدلی تشبیه‌ نموده‌ که‌ پالوده‌ و خالص است؛ پس چنین نور و روشنایی، درخشان و تابنده‌ است (نوری است بر فراز نوری!) اما تنها کسانی می‌توانند به‌ این نور دست یابند که‌ خدواند آنها را انتخاب نموده‌ است:

﴿يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُ﴾[[5]](#footnote-5).

برای اینکه‌ به‌ این نور ربانی و ایمانی دست یابیم باید خدای یگانه‌ را به‌ عنوان یار و یاور خود برگزینیم و از ایدئولوژیهای گمراه و کمونیستی، سرمایه‌داری و ملی‌گرایی سر باز زده و روی برتابیم و به‌ آیین پروردگارمان روی آوریم، در غیر این‌صورت تمام روشها و برنامه‌های بشری، انسان را به انواع تاریکی‌ها و گمراهی‌ها گرفتار می‌نمایند:

﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥٧﴾ [البقرة: 257].

«خداوند متولّی و عهده‌دار (امور) كسانی است كه ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریكی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود. و (امّا) كسانی كه كفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و گمراهی) متولّی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاك) بیرون آورده به سوی تاریكیهای (زمخت كفر و فساد) می‌كشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند)».

برادران و خواهران گرامی! کسانی که‌ امروز در پرتو نور اسلام زندگی می‌کنند از نفس و روانی عزت مندانه و بینشی روشن و تابناک برخوردارند، آنها به حقیقت و هدایت دست یافته و با اصول و ایدئولوژیهای باطل و گمراه کننده‌ به‌ جنگ و ستیز پرداخته‌اند؛ آنها در عالم برزخ و دنیای آخرت نیز با همان نور و روشنایی مسیر حرکت خود را ادامه‌ می‌دهند، اما کسانی که‌ از این نور محروم مانده‌اند و دنیا را همراه با عقاید و افکار و اندیشه‌هایی تاریک سپری می‌کنند که‌ فکر منحرف انسانی آن را بوجود آورده‌ است، در آینده‌ با زندگی سخت و پر مشقت مواجه‌ می‌شوند و در حالی اظهار ندامت و پشیمانی می‌کنند که‌ سودی ندارد. خداوند سبحان حالت و وضعیت این دو گروه‌ را در سرای آخرت چنین به تصویر می‌کشد:

﴿يَوۡمَ تَرَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَسۡعَىٰ نُورُهُم بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِمۖ بُشۡرَىٰكُمُ ٱلۡيَوۡمَ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٢ يَوۡمَ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱنظُرُونَا نَقۡتَبِسۡ مِن نُّورِكُمۡ قِيلَ ٱرۡجِعُواْ وَرَآءَكُمۡ فَٱلۡتَمِسُواْ نُورٗاۖ فَضُرِبَ بَيۡنَهُم بِسُورٖ لَّهُۥ بَابُۢ بَاطِنُهُۥ فِيهِ ٱلرَّحۡمَةُ وَظَٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلۡعَذَابُ ١٣ يُنَادُونَهُمۡ أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمۡ فَتَنتُمۡ أَنفُسَكُمۡ وَتَرَبَّصۡتُمۡ وَٱرۡتَبۡتُمۡ وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ ١٤ فَٱلۡيَوۡمَ لَا يُؤۡخَذُ مِنكُمۡ فِدۡيَةٞ وَلَا مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ مَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُۖ هِيَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٥ ۞أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ وَلَا يَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلُ فَطَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَمَدُ فَقَسَتۡ قُلُوبُهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ١٦ ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ١٧﴾ [الحديد: 12-15].

«روزی مردان مؤمن و زنان مؤمن را خواهی دید كه (به سوی بهشت حركت می‌كنند و) نور (ایمان و اعمال خوب) ایشان، پیشاپیش آنان و در سمت راستشان در تلألؤ و درخشش است (و فرشتگان بدیشان مبارك‌بادی می‌گویند و می‌فرمایند:) مژده باد! كه امروز به بهشتی در می‌آیید كه در زیر (كاخها و درختان) آن، رودبارها جاری است و جاودانه در آنجا بسر می‌برید و می‌مانید. پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ، این است (خوش باشید). روزی مردان منافق و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: (با شتاب به سوی بهشت حركت نكنید و) منتظرمان بمانید تا از نور شما فروغ و پرتوی (به ما بتابد و از آن) استفاده كنیم! بدیشان گفته می‌شود: به عقب برگردید (و مجدّداً به دنیا بروید) و نوری به دست بیاورید! در این حال ناگهان دیواری میان آنان زده می‌شود كه دری دارد. داخل آن (كه به طرف مؤمنان است) رو به رحمت است (كه بهشت و نعمت سرمدی است) و خارج آن (كه به طرف منافقان است) رو به عذاب است (كه دوزخ و نقمت ابدی است). منافقان، مؤمنان را فریاد می‌دارند، مگر ما (در دنیا) با شما نبودیم؟ می‌گویند: بلی! ولیكن (با نفاق) خویشتن را گرفتار بلا كردید، و چشم به راه (مرگ پیغمبر، و نابودی مسلمانان، و برچیده شدن اسلام) ماندید و (درباره حقانیت دعوت پیغمبر و قرآن و وجود معاد و رستاخیز) شک و تردید ورزیدید، و آرزوها و پندارها شما را گول زد، تا این كه فرمان خدا (مبنی بر مرگتان) فرا رسید و اهریمن (بدكاره و نفس امّاره) فریبكار، شما را درباره خدا فریب داد. پس امروز، هم از شما، و هم از كافران، عوضی و غرامتی پذیرفته نمی‌شود. جایگاه شماها آتش دوزخ است. دوزخ سرپرستتان است (و پناهگاهی جز آن ندارید) و چه بد سرنوشتی و چه بد جایگاهی است! آیا وقت آن برای مؤمنان فرا نرسیده است كه دلهایشان به هنگام یاد خدا، و در برابر حق و حقیقتی كه خدا فرو فرستاده است، بلرزد و كرنش برد؟ و آنان همچون كسانی نشوند كه برای آنان قبلاً كتاب فرستاده شده است و سپس زمان طولانی بر آنان سپری گشته است، و دلهایشان سخت شده است، و بیشترشان فاسق و خارج (از حدود دین خدا) گشته‌اند. بدانید كه خداوند زمین مرده را زنده می‌كند. ما آیه‌ها را برای شما (با ذكر مثالها) روشن می‌گردانیم و بیان می‌داریم، تا این كه شما (مطالب و مقاصد آنها را) بفهمید)».

در پایان از خداوند بلند مرتبه می‌خواهم که به‌ شما توفیق دهد، گامهای استواری را به‌ شما عطا نماید، پاداشی نیک و کامل را بر شما ارزانی دارد، شما را وسیله‌ی باز کردن درهای نیک و بستن درهای بد قرار دهد و توسط شما همه‌ی بندگان و شهرهای این سرزمین مشمول نیکی و برکت واقع شوند و به‌ شما شنوندگان و خوانندگان گرامی اجر و پاداش عنایت نماید.

 ﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ١٨٠ وَسَلَٰمٌ عَلَى ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٨١ وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٨٢﴾ [الصافات: 180-182].

«پاک و منزّه است خداوندگار تو از توصیفهایی كه (مشركان درباره خدا به هم می‌بافند و سر هم) می‌كنند، خداوندگار عزّت و قدرت. درود بر پیغمبران! ستایش، یزدان را سزاست كه خداوندگار جهانیان است».

1. - انگلستان [↑](#footnote-ref-1)
2. - محمد اسد قبل از اسلام لبوبلد فایس نام داشتند، ایشان یهودی تبار و از قبیله‌ی نمسا بودند. [↑](#footnote-ref-2)
3. - صحیح بخاری حدیث شماره‌ (5538) از کتاب مشکاة المصابیح 3 (58) [↑](#footnote-ref-3)
4. 1- صحیح إمام مسلم. [↑](#footnote-ref-4)
5. - تفسیر ابن کثیر. [↑](#footnote-ref-5)